

شیوه های شکار در گیلان

اباذر غلامی



ادامه از ...

صید خرچنگ

خرچنگ همان موجود بد هیبت آبی است که عکس آنرا همه همسالان ما را روی پوشش کاغذی نوعی آب نبات به همین نام دیده اند آن خرچنگ شیرین پیش از دهه چهل هر عدد دهشاهی معادل نیم ریال بود و اما در دو دهه آخر این حیوان نامش از دهه چهل هر عدد دهشاهی معادل نیم ریال بود و اما در دو دهه اخیر این حیوان نامش را عوض کرد. و به شاه میگوی آب شیرین معروف شده است و به صورت انبوه پرورش داده می شود به خصوص در رودخانه ارس و به خارج صادر می شود قیمت آن در بازارهای فروش خارجی در سال ۱۳۸۱ هر عدد یک دلار بوده است.

شاهمیگوی آب شیرین شبیه همان میگوی سرخ و سفید جنوبی است، و برعکس آن رنگ سیاه-سبز و زمینه قهوه ای و جثه ای نزدیک به ۶-۵ برابر آن دارد و نوع دریایی آن شیری رنگ و سفید است.

شاهمیگوی آب شیرین و رودخانه های منتهی به آب دریای خزر زندگی می کند و به طور تصادفی به دام صیادان ماهی می افتد. صید اختصاصی آن به شرح زیر است:

یک جعبه چوبی میوه را که در میدان میوه فروشان فراوان است بر می دارند درب و کفه چوبی جعبه کنده می شود و به جایش روی آنرا تور نایلونی می پوشانند یک تخته دیگر از دو ضلع باقی مانده کنده می شود این تخته کنده شده در حقیقت معبر ورودی صید محسوب می شود، در داخل جعبه با نخ چند ماهی مرده کوچک نصب می شود جعبه به نخ چند متری وصل می شود و به قعر رودخانه یا مرداب انداخته می شود این نخ بلند در کرانه رودخانه به درخت یا چوبی بسته می شود یا به نی یا تیرکی کوبیده بسته می شود. شاهمیگو از لای شکاف تخته کنده شده به داخل جعبه می رود و طعمه را می خورد، پاهای بلند و متعدد شاهمیگو به تورهای جانبی گیر می کند و اگر هم گیر نکند راه خروجی را براحتی نمی تواند پیدا کند. صیاد روزی یک یا دو بار به جعبه سرکشی می کند شاه میگو را بر می دارد و طعمه جدیدی می گذارد و این وسیله ابتدایی ترین وسیله صید شاه میگوی آب شیرین است ولی وسیله بهتری نیز وجود دارد و آن ساختن قفسی به همین ابعاد از

جزیره بهشتی بندر انزلی برایم نقل کرده است. آن عزیز خود دست اندرکار این نوع صید بوده است.

شکار هفرنگ

هفرنگ یا ملکی پرنده ای بسیار زیبا و رنگارنگ در حد و اندازه گنجشک است در فارس بدان سهره می گویند.

این پرنده را در قفس نگهداری می کنند و آوازی شبیه فنج ولی قویتر از آن دارد به طور دسته جمعی در سبزهزارها و جنگل های کم پشت به برچیدن دانه و شکار حشره می پردازد. برای صید زنده این پرنده معمولاً از قفس تله دار استفاده می کنند. قفس تله دار قفسی است یعنی دو قفس مجزا به هم وصل شده اند، قفسی که پرنده جلب کننده در آن قرار دارد بزرگتر است، قفسی که به عنوان تله استفاده می شود به مراتب کوچکتر است.

قفس تله دار دارای دری است که بالو لایی در پایین و فزری در بالای و یک زبانه مهار فنر در پایین باز می شود به جای فنر، کش معمولی هم

چوب است این قفس با تور پوشانده می شود و سوراخ قیفی شکلی از تور روی آن ایجاد می کنند طعمه های ذکر شده در بالا هم در آن قرار داده می شود، این وسیله استحکام و کارایی بیشتری دارد و همان بلاراسر خرچنگ شکمو می آورد، چون خرچنگ پس از ورود قاربه یافتن راه خروج نیست و تا زمان اسارت به دست صیاد در آنجا آب خنک می خورد. و اما روش سریع و زود بازده صید خرچنگ، صید با دست است.

خرچنگ به طور معمول در دیواره حاشیه رودخانه سوراخ هایی به عنوان پناهگاه یا کمین گاه ایجاد می کند صیادان عجول هم به زیر آب می روند و با چشمه های باز سوراخ های خرچنگ را می جویند و ماهرانه آنرا با دست می گیرند این صید خوش مزه در سال ۱۳۵۵ به قرار هر عدد دو ریال به اقلیت های مذهبی ساکن انزلی فروخته می شد ظاهراً مسلمانان آنرا نمی خوردند، این شیوه صید را که نگارنده از نزدیک آنرا ندیده است دوست عزیز و از دست رفته ام زنده یاد احمد ادریسان متولد ۱۳۳۸ اهل

می‌گذارند. مکانیزم کار طوری است که با نشستن پرند بر روی درب لولا دار و فنر دار زبانه مهار فنرهای می‌شود و فنر در باز رابه سرعت می‌بندد و پرند به این ترتیب در داخل قفس اسیر می‌شود.

صیادان برای صید هفرنگ همیشه از دو قفس استفاده می‌کنند در هر قفس یک یا چند هفرنگ همجنس نر و ماده قرار می‌دهند قفس ماده‌ها معمولاً نرها را به دام می‌کشند و قفس نرها نیز ماده‌ها را اسیر می‌کند.

این دو قفس با فاصله چند متر از هم در محلی که گله‌های هفرنگ در آنجا تردد دارند روی زمین و یا روی درختی قرار می‌گیرد. هفرنگ‌های زندانی با سرو صدایشان جنس مخالف را جذب می‌کنند در کف قفس تله همیشه اندکی دانه نیز پاشیده می‌شود.

صدای جنس مخالف و غذای آماده و بی‌درس برای پرند بهی‌خبر از حیل‌های صیاد پی‌امدی جز اسارت برای هفرنگ رها در دست نخواهد داشت. صیادان نیز ضمن اینکه در هدایت گله‌های هفرنگ به طرف قفس‌ها فعالند در محل نیز ناظر قفس می‌باشند و به محض به تله افتادن پرند به سر وقت قفس می‌روند و پرند اسیر را از سلول انفرادی کوچک به بند بزرگ اسرای دیگر منتقل می‌کنند و قفس تله‌دار که آماده صید دیگری می‌کند.

زنده‌گیری و پرورش پرندگان زیبا و خوش‌آواز

عمده‌ترین پرندگان حول و جوش زادگاهم که زیبا و خوش‌آوازند و شخصاً برای نگهداری در قفس صید می‌شوند عبارتند از: بلبل هفرنگ، بلدرچین (= اوشوم)، قمری (تولخوم)، این پرند کمی بزرگتر از یاکریم و اندکی کوچکتر از کبوتران سبزه‌میدان رشت است با رنگی مخلوط از این و آن و طوقی سفید برگردن و آوازی محزون دارد.

بلبل شبیه گنجشک است و آواز خوانی ماهر است. بلدرچین (وشوم) با زیبایی و آوازش باعث اسارت خویش می‌گردد. (ورفانه) = برف بانو، که نوعی سپهره جنگی است با رنگ سیاه و سفید و زرد و طوسی، با جثه‌ای کمی بزرگتر از گنجشک و نوع نر آن ملودی ثابتی رابه طور تکراری می‌خواند همه این پرندگان که ذکر شد در قفس انجام می‌شود، قبلاً ذکر شد در قفس هم زاد و ولد می‌کنند.

صید هفرنگ یا سپهره چون شخصاً با قفس انجام می‌شود قبلاً ذکر شد، ولی بلدرچین، بلبل، تولخوم و ورفانه را از طریق دستبرد به لانه و ربودن جوجه‌هایشان هم انجام می‌دهند. صیاد ابتدا با گشت و گذار در جنگل و باغ‌ها و مزارع لانه این پرندگان را پیدا می‌کند و از

تخم‌گذاری در لانه مطمئن می‌شود این لانه تا مرحله تولد جوجه‌ها تحت نظر قرار می‌گیرد و بعد از آن روزی حداقل یک بار سرکشی می‌شود تا جوجه‌ها به مرحله رشدی قابل قبول برسند و قبل از رسیدن به مرحله پرواز توسط صیاد از لانه ربوده می‌شوند و به قفس منتقل می‌گردند.

بلبل روی درختچه‌های جنگل‌های کم‌پشت لانه می‌سازد، ارتفاع محل لانه تا کف زمین معمولاً کمتر از دو متر است. اوشوم یا بلدرچین روی زمین و لابلای علف‌های خشک و نرم لانه می‌سازد. ورفانه یا سپهره جنگلی بالای درختان بلند و تولخوم نیز بالای درختان لانه می‌سازد.

صیادان معتقدند که در هنگام باز دید لانه در صورت وجود تخم یا جوجه نابالغ نیاستی عمل بازدم انجام شود دم زدن به لانه باعث می‌شود مارهای فراوان جنگل به سراغ لانه بروند و تخم یا جوجه‌های نابالغ را بخورند.

ولی حقیقت ماجرا این است که لانه اینگونه پرندگان را بیشتر زاغچه (کشکرک) به یغما می‌برد تا مار.

جوجه‌های نابالغ گرفتار شده در قفس در چند هفته اول تنها با دارو و زنبورهای معمولی تغذیه می‌شوند. یعنی لانه‌های گلنی زنبورهای معمولی که در زیر سقف خانه‌ها قرار دارند توسط پرستاران جوجه‌های اسیر کنده می‌شوند و داروهای داخل لانه بیرون آورده می‌شود به خورد جوجه‌ها داده می‌شود.

پس از اینکه جوجه‌ها به بلوغ رسیدند رژیم غذایی آنها عوض می‌شود و می‌توانند دانه‌های مورد علاقه و میوه‌های مختلف را بخورند.

دستبرد به لانه پرندگان در بین کودکان و نوجوانان نیز موسوم است البته بیشتر اوقات نه برای زنده‌گیری و نگهداری پرند در قفس بلکه جهت خرابکاری و آزار پرند.

زاغچه = (کشکرک) کلاغ و گنجشک عمده‌ترین پرندگانی هستند که در زادگاهم و اطراف آن توسط فرزندان بنی آدم خانه خراب می‌شوند.

برخی پرندگان آبی و کنار آبی مثل انواع مرغابی‌های اردک‌نما و نیز کاکایی‌ها انواع قوها نیز که توسط صیادان زنده اسیر می‌شوند گاه دیده می‌شود که باقیچی کردن پرهايشان فاقد قدرت پرواز می‌شوند و به همراه مرغ و اردک و غاز اهلی در حیاط خانه‌های روستایی رها می‌شوند صاحب خانه مدتی با کوتاه کرده پرهاي این مهمانان وحشی آنان را همانند مرغان خانگی رام می‌کند و اینان معمولاً پس از مدتی چون درست تغذیه می‌شوند پرواز را نیز فراموش می‌کنند و حتی در همانجا زاد و ولد هم می‌کنند اینکار در مورد قرقاول هم صورت می‌گیرد ولی زنده‌گیری جوجه قرقاول تقریباً غیرممکن است چون قدرت فوق‌العاده‌ای در

فرار و استتار دارد، تخم قرقاول از لانه ربوده می‌شود و در زیر یک مرغ خانگی کرچ (= کولشکن) جوجه قرقاول به دنیای آید و مدت‌های مدید در محوطه‌ای مسقف و محصور زندگی می‌کند.

در پارک بوستان رشت استخری وجود دارد که ۵ قطعه قوی وحشی سالهاست که در آنجا ماندگار شده‌اند ولی نه زاد و ولد می‌کنند نه پرواز.

و اما ضرب‌المثل‌ها و باورداشتهای رایج در زادگاهم در مورد پرندگان یاد شده در موضوع بالا:

جور گل بلبل کشید و فیض گل را بد برد
این ضرب‌المثل به همین صورت فارسی رایج است. در مورد که حاصل رنجش را دیگری به وسایل گوناگون بی‌مزد می‌برد.

بلبل چرت یا بلبل خواب = خواب بلبل به خواب سبک و کوتاه مدت گفته می‌شود، به کسی که خیلی کم می‌خوابد و یا با کوچکترین صدایی از خواب می‌پرد گفته می‌شود.

موس کوتاه دار کالان مرغانا = مقعد گنجشک را دارد تخم قورا.

به کسی گفته می‌شود که بیشتر از توان و ظرفیت خویش ادعایی داشته باشد.

اولی کلاچ و کشکرک شینه = اولی مال کلاغ و زاغچه است. در مورد فرزندان اول والدین گفته می‌شود چنانچه فرزند اول کسی که به هر دلیلی بمیرد این مثل را برای تسکین طرف داغیده به کار می‌برند.

در مورد خسارت وارده به محصول نوبرانه‌ی باغ صیفی هم گفته می‌شود.

(موسه جوم) = گنجشک چشم به کسی که چشمان ریزی دارد به قصد تمسخر گفته می‌شود.

(اردیکامانه) = به اردک می‌ماند.

در مورد کسی گفته می‌شود که پر رو بی‌حیا باشد مثال: اردیکامانه هرچی آب فوکانی خیستانیه) = به اردک می‌ماند هرچه آب بریزی خیس نمی‌شود، در مورد آدم‌های بی‌شرم و حیا گفته می‌شود نیز کسانیکه در آنان نرود میخ آهنی در سنگ.

(خوس خوسه کرک) = مرغ خوابنده

به مرغی که به شدت رام است و در هنگام گرفتنش به جای فرار روی زمین می‌نشیند گفته می‌شود این اصطلاح به آدم‌های مطیع و رام و بی‌دست و پا هم اطلاق می‌شود و نیز به کسی که در عملی جنسی به عنوان مفعول مطیع محض فاعل است.

زاغچه در باور عامه

(زاغچه یا کلاغ زاغی یا کشکرک) اگر در

نزدیک خانه ای آواز سر دهد صاحبخانه با هر آواز زاغچه می گوید خوش خبر، کشکرک خوش خبر چنانچه پراز ادای این کلمات باز هم کشکرک آوازی دیگر سر دهد صاحبخانه باور دارد که خبری خوش به او خواهد رسید و یا مهمانی برایش خواهد آمد چنانچه کشکرک آوازی سر ندهد صاحبخانه در بیم و هراس فرو می رود و نگران رسیدن خبر بد خواهد شد.

کلاغ در باور عامه

می گویند آدمی از خداوند عمر جاودان طلب می کند و پیامش را به کلاغ می دهد تا به خداوند برساند و خداوند نیز داروی عمر جاودان را به کلاغ می دهد تا به انسان برساند.

کلاغ ناقل نیز داروی عمر جاودان را بر می دارد و روی درخت (کیش) شمشاد می نشیند و پر خویش می ریزد، داروی عمر جاودان روی کلاغ و نتیجه اش درخت شمشاد می ریزد، به همین دلیل کلاغ و شمشاد عمری بسیار طولانی دارند، راه حقیقت این است که کلاغ معمولاً کمتر از انسان عمر می کند از آنجایی که کلاغ منظور همان کلاغ ابلق است که رنگ سیاه و خاکستری دارد چون در حول و حوش سکونت گاه انسان زندگی می کند مزاحم جدی جوجه های، روستاییان و مزارع صیفی و سبزی آنان است شاید این کینه حسادت آمیز نتیجه زیان کاری کلاغ های عزیز باشد.

و اما درخت شمشاد به دلیل خزان ناپذیری و رشد اندکش عمری طولانی تر از انسان دارد. همین سرسبزی شمشاد است که آنرا در گورستانهای روستایی گیلان می بینیم و کسی هم آنرا در گورستان نمی برد شاید الان عمده ترین مراکز رویش شمشاد همین گورستانها باشند نگارنده خانه هایی در زادگاه خویش و آبکنار بندر انزلی می شناسد که عمری ۶۰ ساله دارند رسد بندی آنها از چوب شمشاد است این چوب بسیار محکم است و کرم های چوب خوار بدان راه ندارند و حتی میخ آهنی نیز با زحمت زیاد در آن فرو می رود در ایام کودکی و نوجوانی خویش جنگلی از شمشاد در جوار جنگل های زادگاهم وجود داشت در تیان صومعه سرا نیز جنگلی کوچک از شمشاد دیده بودم ولی امروز دریغ از یک درخت، غارت این درخت از زمان صفویه در گیلان شروع شد و به روسیه صادر می شود و اکنون جمعیت آن بسیار اندک است تا ۱۰ سال پیش ۴ کارگاه

شانه تراشی که شانه چوبی از شمشاد تهیه می کرد در بازار رشت فعال بود آخرین کارگاه در سال ۸۲ تعطیل شده است ولی چوب شمشاد به عناوین دیگری قاچاق می شود یکی از موارد استفاده چوب شمشاد استفاده از خاک اره شانه تراشان است این خاک اره برای خشک کردن وسایل زینتی ساخته شده از طلا کاربرد دارد، خود نگارنده در کارگاهش چند ده کیلو از آن خاک اره ها را جهت فروش دارم محل خرید بنده، تهران بازار سرای اردیبهشت است که در آنجا گونی گونی به فروش می رسد حالا چگونه شمشاد گیلانی الاصل به خاک اره تبدیل می شود و سر از تهران در می آورد پیدا کردن پرتقال فروش از وظایف نگارنده نیست متولیان مربوطه اگر بخواهند می توانند.

در گذشته از چوب شمشاد برای تهیه چوب سیگار (مشتک) و نیز چوب و افور نیز استفاده می شده است. از چوب شمشاد برای تهیه ابزار گچ کاری همین الان هم استفاده می شود.

لکنده گیری

در کشتار پرندگان آبی با تفنگ گاهی اوقات دیده می شود که پرندگان با اصالت ساچمه های تفنگ کاملاً از پا در نمی آیند و خسته جان از قتلگاه می گریزند و در مسافتی دورتر بر آب فرود می آیند، پرنده زخمی دارای قدرت پرواز چندانی نیست و به اصطلاح (لکنده) = بیمار است.

در پهنه مرداب انزلی گروهی از صیادان که قدرت خرید تفنگ ندارند پارو زان یا با قایق موتوری به دنبال همین نوع پرندگان بیمار پهنه مرداب را می کارند و با نزدیک شدن به هر پرنده تک افتاده ای به تعقیب آن می پردازند و یا به دسته های بزرگ پرندگان نشسته بر سطح آب نزدیک می شدند و آنان را بر می خیزانند، پرنده های باقیمانده پس از این فرار همگانی مظلون به (لکنده) بودن هستند با نزدیک شدن به پرنده مظلون گاه پرنده تا مسافت کوتاهی را پرواز می کند و فرود می آید و یا به دلیل شدت جراحت قدرت پرواز ندارد و فقط غوطه می خورد، وقتی (لکنده) بودن پرنده با اعلام فوق مشخص شد. صیادان که گاه تا دو قایق هم دارند به تعقیب پرنده می پردازند غوطه خوردن های متوالی پرنده باعث خستگی مفرط می شود این تعقیب مرگ بار گاه تا چند ساعت هم طول می کشد کم کم فواصل غوطه خوردن ها کم می شود و صیادان با استفاده از (رازین سنگ) = سنگ انداز و یا تفنگ بادی و اکثر اوقات با پارو

پرنده بیمار را مورد هدف قرار می دهند. قبل از دهه پنجاه که عرصه مرداب کمتر در معرض یورش قایق های موتوری بود (لکنده گیری) خود شغلی مستقل محسوب می شد ولی پی از آن قایق های موتوری با شکار چیان مجهز به تفنگ دیگر فرصتی برای ترمیم جراحت پرنده مجروح باقی نمی گذارد به همین دلیل امروز در گستره مرداب انزلی به ندرت می توان به قایق و صیاد (لکنده گیر) برخورد کرد.

صید پرندگان با چراغ قوه

در فصول پاییز و زمستان اکثر پرندگان خشکی زی و بعضاً کنار آبی شبها را روی درختان سپری می کنند، درختان خزان ناپذیر به دلیل داشتن برگ محافظ خوبی در مقابل باد و باران و برف و سرما هستند. درختان بومی جنگل های گیلان که خزان ناپذیرند بسیار محدودند، شمشاد و درختان سوزنی برگ و نیز درختچه (کوله کش) = شمشاد تپه ای، از گونه های جنگلی محسوب می شوند. از (کوله کش) که برگ های پنج پر تیغ دار دارد و با ارتفاعی حدود سه ۳ متر چوپان ها در زمستان برای تعلیف دامها استفاده می کنند. درختان شمر و اهلی نیز انواع مرکبات و برخی درختان وارداتی مثل انبه و مانگولیا نیز خزان ناپذیرند، پناهگاه شبانه اکثر پرندگان مهاجر و بومی خشک زی و بعضاً کنار آبی همین درختان همیشه سبزند.

انسان شکارچی برای زنده گیری آنها شبانه با چراغ قوه به سراغ درختان همیشه سبز می رود و از زیر درخت با تاباندن نور به شاخه های هدف یابی می کند، نور چراغ قوه پرنده را گیج و مبهوت می کند و هرگونه حرکتی را از آن سلب می کند در نقاط در دسترس می توان با دست خالی هم پرنده را گرفت. در نقاط دور از دسترس در شب حامل چراغ قوه یک نفر (لار دام) دار آنرا در هوا اسیر می کند.

آقای مسعود بهلولی متولد ۱۳۴۷ اهل خشکیجار که شیوه شکار با دست خالی را برای نگارنده توصیف کرده است می گوید: پرنده روی درختان مرکباتی که هنوز میوه دارند نمی نشینند زیرا گمان می برند که انسان برای چیدن میوه ممکن است شبانه بیاید و مزاحم خوب پرنده بشود.

البته نگارنده نمی داند پرنده چه فکر می کند، شاید رنگ و بوی میوه و درختان مرکبات را دوست نداشته باشد.

در شکار با چراغ قوه گاه تفنگ بادی (رازین سنگ) = سنگ انداز و تفنگ آتشین ساچمه ای هم به کار می برند.